

# پیش‌بینی ارتباط جنسی بر اساس سبک‌های دلبستگی و خودتمایز یافتگی دانشجویان زن متأهل

سهیلا قیصری<sup>۱</sup>، عباس امان الهی<sup>۲</sup>

## چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ارتباط جنسی بر اساس سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه‌های اهواز انجام شد. نمونه مورد مطالعه ۲۲۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. **روش:** طرح پژوهش از نوع همبستگی بود و آزمودنی‌ها به پرسش‌نامه ارتباط جنسی ویلس و باس (۱۹۸۴)، دلبستگی بزرگسالی سیمپسون (۲۰۰۳) و تمایز یافتگی اسکورن و فریندلر (۱۹۹۸) پاسخ دادند. برای تحلیل داده از روش توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. **یافته:** نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن و موقعیت من با ارتباط جنسی رابطه مثبت دارند. همچنین سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی پریشان و گسلس عاطفی  $P < ۰/۰۰۱$  پیش‌بینی‌کننده برای ارتباط جنسی هستند. **نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد با توجه به نتیجه پژوهش، زوج‌هایی که دارای سبک دلبستگی ایمن و سطوح بالای تمایز یافتگی هستند، رضایت بالایی از ارتباط جنسی خود دارند و به تبع آن ازدواج باثبات‌تری دارند.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های دلبستگی، خود تمایز یافتگی، ارتباط جنسی.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

## مقدمه

معمولاً ازدواج در هر فرهنگی شناخته شده‌ای وجود دارد و قابل انکار نیست و بیش از ۹۰٪ از مردم جهان حداقل یک بار ازدواج خواهند کرد. ازدواج به عنوان منبعی از رضایت مندی آغاز می‌شود، اما اغلب به عنوان منبعی از ناکامی و نارضایتی پایان می‌پذیرد. ازدواج‌های رضایت بخش به مصمون ماندن زوج‌ها از درماندگی روانی و حقایق بد زندگی می‌انجامد. در حالی که ناکامی، عدم رضایت زناشویی و عدم ثبات، عواقب منفی برای وضع فیزیکی و هیجانی زوج‌ها و فرزندانشان در پی دارد. ازدواج‌هایی که رضایت برای زوج‌ها فراهم می‌کنند کم‌تر به جدایی ختم می‌شود و زوج‌ها سطح بالاتری از رضایت جنسی دارند. در نتیجه سازگاری زناشویی و رضایت زناشویی از شاخص‌های مهم ازدواج موفق، بقا و سلامت خانواده محسوب می‌شود (لیتزی‌نگر و گوردن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). با این حال، آمار طلاق که معتبرترین شاخص نارضایتی در روابط زناشویی است نشان می‌دهد که رضایت زناشویی به آسانی قابل دستیابی نیست. بلکه ایجاد آن نیاز به تلاش زوج‌ها دارد. با چنین آمار بالای طلاق تعجب آور نیست که بسیاری از کارشناسان علوم اجتماعی و روان‌شناسی شدیداً به دنبال جواب برای انواع مختلف این سوال که: چه چیزی ازدواج را پایدار می‌سازد، باشند (لانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

رابطه‌ی جنسی بخش مهمی از روابط صمیمانه است. ارتباط جنسی<sup>۳</sup> زوج‌ها اجازه می‌دهد تا همدیگر را در مورد نیازها، علایق و خواسته‌های جنسی شان مطلع کند. در واقع انتظارات افراد برای رفتارهای جنسی توسط شریک‌های واقعی از طریق ارتباط جنسی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. رابطه جنسی، عشق و ابراز رابطه‌ی جنسی به طور مستقیم با رضایت مندی جنسی مردان و به طور غیرمستقیم با رضایت جنسی زنان مرتبط است (تیم<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹). ارتباط جنسی به دو صورت کلامی (استفاده از کلمات برای

1. Litzinger, S., & Gordon, K. C.

2. Long, A. K.

3. sexual communication

4. Timm, T. M.

فرستادن پیام به همسر) و غیرکلامی (ارتباطی که بدون استفاده از کلمات رخ می‌دهد) است که در طول رابطه جنسی به وجود می‌آید. ارتباط جنسی کلامی همسر رابطه‌ی مثبتی با برونگرایی همسران، برداشت‌های همسران از ارتباط جنسی دوتایی و رضایت مندی جنسی آنها دارد. پژوهش‌ها درباره ارتباط جنسی را می‌توان به سه شکل مختلف تقسیم کرد: ۱) ارتباط سمبولیک، ۲) گفتگو درباره ارتباط جنسی و ۳) گفتگو در حین آمیزش. در بعد کلامی ارتباط این موارد وجود دارند، ابراز محبت و حساسیت در برخورد با نیازهای همسر، طلب کردن، نشان دادن علاقه مندی و مهر، محبت ورزیدن و بیان صادقانه عشق، این که چه شرایطی بهترین تجربه عاشقانه را برای من ایجاد می‌کند و برای شما، چه چیزی واقعاً نیاز است و خواسته می‌شود، در روش‌ها و تکنیک‌هایی برای من... کدام جنبه‌های عشق بازی برای من یا همسر من بیشترین لذت را دارد؟. در بعد غیر کلامی ارتباط در آغوش کشیدن، لمس کردن، توجه متقابل در شروع تماس نزدیکی و... باید همگی سازه‌های مهمی باشند و با ارتباط جنسی رضایت بخش مرتبط هستند و همچنین ارتباط جنسی رضایت بخش احساس یکی شدن قوی را به ازدواج‌ها می‌افزاید (برومن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵).

سبک‌های دلبستگی از عوامل مهم در روابط زن و شوهر هستند. دلبستگی در دوران بزرگسالی عموماً گرایش پایدار یک فرد برای انجام تلاش‌های استوار برای جستجو و حفظ نزدیکی و ارتباط با یک یا چند نفر خاص است، که نیروی بالقوه شخصی برای امنیت روان شناختی یا فیزیکی فرد می‌باشد (تیم، ۱۹۹۹). نظریه‌ی دلبستگی توسط جان بالبی<sup>۲</sup> در دهه ۱۹۶۰ گسترش یافت. بالبی کارش را با تمرکز روی روابط اولیه کودکان با نخستین مراقبشان به عنوان مهم‌ترین پیش‌بینی کننده‌ی رشد شخصیت آینده کودکان شروع کرد. تئوری دلبستگی بیان می‌کند که کودکان توضیح می‌دهند یک پیوند نزدیک، با دوام و وابسته با مراقب اولیه در شروع لحظات اولیه‌ی زندگی ایجاد کنند. نظریه‌ی دلبستگی

1. Broman, C. L.

2. Bowlby, J.

توسط بالبی (۱۹۶۹) به عنوان سیستم رفتاری برای برآوردن نیازهای بیولوژیکی برای بقا از طریق ارتباط‌های هیجانی با مراقبان اولیه فرد تعریف شد. رفتار دلبستگی شامل اعمال انجام شده در جستجو برای هدف امنیت، آرامش، پذیرش و حمایت برای فرد خاص است. سبک‌های دلبستگی نتیجه تجارب اولیه با مادر یا مراقب اولیه در رابطه با درجه و میزان گرمی، مسئولیت، اعتبار و مشارکت و تاثیر بعدی آن بر احساس امنیت فرد در روابط آتی است. سبک‌های دلبستگی بر اساس عقاید مثبت و منفی در مورد امنیت با صمیمیت نسبت به خود و دیگران است. اینثورث<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) نظریه بالبی را به سه دسته ایمن، گسسته و پریشان تقسیم کرد، کودک ایمن در اکثر موقعیت‌ها احساس راحتی و امنیت می‌کند و تصویری مثبت، حمایت‌کننده و پاسخ‌گراز مراقب خود دارند. گسسته زمانی که مادر کودک گسسته را در آغوش می‌گیرد با حرکات پیچ و تاب و تکان خوردن سعی در پایین آمدن می‌نماید و در عواطف خود نسبت به مراقبش بی تفاوت است. کودک پریشان در موقعیت ناآشنا به سختی می‌تواند احساس راحتی و آرامش کند و به راحتی نمی‌تواند در محیط به اکتشاف و دستکاری پردازد و در برابرتندگی‌ها آسیب پذیر است (بالبی، ۱۹۶۹؛ متیوز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). پژوهش‌ها نشان دادند تفاوت‌های افراد در خودگزارشی دلبستگی بزرگسالی به عملکرد و کیفیت ارتباطات زناشویی مرتبط است. بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن تفسیر مثبتی از روابط زناشویی بیان می‌کنند و اعتماد در رابطه و در عشق به همسرشان دارند. و سطح بالایی از رضایت زناشویی گزارش می‌دهند. درحالی‌که افراد با سبک دلبستگی ناایمن و اجتنابی تفسیر منفی از روابط زناشویی بیان می‌کند و رفتارهای همسرشان را به صورت منفی برداشت می‌کنند و دچار رنج عاطفی زیادی می‌شوند و رضایت زناشویی پایینی گزارش می‌دهند (تیم، ۱۹۹۹؛ ازمن و اتیک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). هیزن و شیور<sup>۴</sup> در سال ۱۹۸۷، تئوری دلبستگی را به عنوان پایه‌ی ساختار

1. Ainsworth, M. D. S.

2. Matthews, S. U.

3. Ozmen, O., & Atik, G.

4. Hazan, C. & Shaver, P. R.

درک عشق بزرگسالی به کار بردند. سه شیوه و روش اولیه‌ی دلبستگی، ایمن، اجتنابی و اضطرابی / مقاوم، مرکز توجه پژوهش‌ها بود. اگرچه مدل سه مقوله‌ای دلبستگی (دلبستگی ایمن، پریشان و اجتنابی) توسط برخی از محققین به کار گرفته شد (برنان و شیور<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰، کرکپاتریک و دیویس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴، هالیست و میلر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). هالیست و میلر، (۲۰۰۵) مدل دسته‌بندی چهار مقوله‌ای را پیشنهاد کردند که شامل ترکیب‌های متفاوتی از عقاید مثبت و منفی در مورد خود و دیگران است. دلبستگی ایمن؛ ویژگی است که در آن افراد راحتی همراه با صمیمیت را در روابط نزدیک خود دارند و توانایی نگهداری پیوندهای شخصی خود با دیگران را دارند بدون اینکه ارزش آنها کاسته شود. بنابراین عقاید مثبت در مورد خود و عقاید مثبت در مورد دیگران، تعیین‌کننده دلبستگی ایمن است. دلبستگی پریشان (شیفته): این گونه افراد در جستجوی اعتبار بخشیدن به ارزش بی ثبات خود از طریق نزدیکی شدید و مفرط در روابط فردی هستند. هنگامی که افراد صمیمی که به آنها نیاز دارند را نبینند و دچار جدایی شوند احساس اضطراب شدید می‌کنند. اضطراب شامل عقاید منفی در مورد خود و عقاید مثبت در مورد دیگران است. افرادی که پریشان تعریف شده بودند به عنوان افرادی که احساس می‌کنند برای دریافت عشق و محبت دیگران نالایق اند و اعتقاد دارند که دیگران خیلی خوبند که آنها را دوست نخواهند داشت. دلبستگی گسسته: افرادی که به دلیل انتظارات بدبینانه‌ی خود از صمیمیت با دیگران دوری می‌جویند. این گونه افراد کیفیت بالایی از ارزش‌گذاری برای خود را دارند. عقاید مثبت در مورد خود و عقاید منفی در مورد دیگران، نشان دهنده‌ی مدل عدم دلبستگی است. این افراد احساس می‌کنند که آنها ارزش دوست داشتن را دارند که دیگران آنها را نخواهند پذیرفت (هالیست و میلر، ۲۰۰۵). برنان، کلارک و شیور<sup>۴</sup> (۱۹۹۸)، دریافتند که اجتناب به طرزی

1. Brennan, K. A., & Shaver, P. R.
2. Kirkpatrick, L. A., & Davis, K. E.
3. Hollist, C. S. & Miller, R. B.
4. Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R.

منفی و اضطراب به شیوه‌ای مثبت با لمس کردن به عنوان شیوه‌ای برای ابراز علاقه در ارتباط هستند. هیزن، زیفمن و میدلتون<sup>۱</sup> (۱۹۹۴)، دریافتند که اجتناب به طرزی منفی با لذت اعمال احساسی پیش از رابطه جنسی مثل بغل کردن، بوسیدن و نگه داشتن دست‌های همدیگر مرتبط است، در حالی که اضطراب به طرزی مثبت با لذت اینگونه اعمال در ارتباط است. برینبام، جیلات و مایکولاینکر<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)، دریافتند که اجتناب با احساسات گزارش شده از بی‌زاری و بی‌علاقگی احساسی در حین رابطه جنسی مرتبط است. تعدادی از تحقیقات نشان داده‌اند که پاسخگویی که احساس اطمینان داشتند، میلی برای داشتن روابط جنسی غیرمتعهدانه مانند داشتن روابط جنسی با شریک جنسی (غیرهمسر)، روابط یک شبه و داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج در حالی که پاسخگویان اجتناب گرا بیشتر مایل به انجام چنین کارهایی بودند (برننان، و همکاران، ۱۹۹۸ و برننان و شیور، ۱۹۹۵، هیزن و همکاران، ۱۹۹۴، اشاختر و شاور<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). علاوه بر این، قاعدتاً به دلیل نیاز بالا به اطمینان خاطر، مورد قبول واقع شدن و ارتباط این نیاز به تمکین شریک جنسی، دل‌بستگی اضطرابی با داشتن رابطه جنسی داوطلبانه ولی ناخواسته (ایمپیت و پیپلا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲، دیویس، شیور و ورنون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴)، تجربه اجبار در رابطه جنسی، حاملگی ناخواسته و نارضایتی از رابطه جنسی (دیویس، فالتر، ورنون و شیور<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱) و رابطه جنسی پرخطر در ارتباط هستند علاوه بر این، نتایج اینگونه تحقیقات نشان می‌دهند که برای افراد مضطرب، انگیزش جنسی به شدت توسط نیاز به مورد قبول واقع شدن و اطمینان خاطر تحریک می‌شود. افراد مضطرب همچنین می‌توانند قدرت یک شریک را در حین انجام عمل جنسی به عنوان یک انگیزه برای رابطه جنسی بدانند. قدرت ممکن است برای افراد مضطرب جذاب باشد به دلیل اینکه آن‌ها

1. Hazen, C., Zeifman, D., & Middleton, K.

2. Brinbam, Gilat & Mycolincker.

3. Schachner, D. A., & Shaver, P. R.

4. Impett, E. A., & Peplau, L. A.

5. Davis, D. Shaver, P. R. Vernon, M.

6. Davis, D., Follette, W. C., Vernon, M. L., & Shaver, P. R.

کمابیش وابسته هستند. همچنین، تلاش‌های شریک دیگر برای کنترل ممکن است به نوعی توجه و اهمیت دادن به فرد دیگر در نظر گرفته شود که در حقیقت می‌تواند برای افرادی که دلبستگی اضطرابی بالایی دارند نوعی عامل تقویتی باشد (دیویس و همکاران، ۲۰۰۴).

تمایز یافتگی خود<sup>۱</sup> یکی دیگر از متغیرهای روان‌شناختی است که در روابط بین فردی نقش مهمی دارد و نشانگر توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی از فرایندهای احساسی، استقلال و صمیمیت در روابطی است که وی تجربه می‌کند (بوئن<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸)، به عبارت دیگر، تمایز یافتگی خود رسیدن به حدی است که فرد بدون غرق شدن در جو عاطفی آن موقعیت‌ها به صورت عقلانی و مستقل تصمیم‌گیری کند (اسکورن و فریندلر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸). برای تمایز یافتگی خود چهار مؤلفه واکنش هیجانی، موقعیت من، گسلش عاطفی و امتزاج با دیگران مطرح شده است که به شرح زیر می‌باشد: واکنش هیجانی بیان‌کننده‌ی تمایل به پاسخ‌گویی محرک‌های محیطی بر اساس پاسخ‌های هیجانی خودکار و طغیان‌های هیجانی می‌باشد. موقعیت من منعکس‌کننده‌ی احساس یکپارچگی خود بوده و بیان‌کننده توانایی پروری اندیشمندانه از اعتقادات شخصی خود با وجود اعمال فشار از سوی دیگران می‌باشد. گسلش عاطفی منعکس‌کننده نگرانی‌هایی راجع به درگیری عاطفی حل‌نشده با والدین و به کارگیری دفاع‌های رفتاری بر ضد این نگرانی‌ها می‌باشد. امتزاج با دیگران منعکس‌کننده درگیری عاطفی زیاد با افراد مهم و وابستگی زیاد به والدین، گرفتن ارزش‌ها و باورها و انتظارات آن‌ها بدون این که راجع به درستی یا نادرستی این اعتقادات و باورها سوالی کند (اسکورن و فریندلر، ۱۹۹۸). بین تمایز یافتگی با ارتباط جنسی ارتباط مثبتی وجود دارد، افراد با سطوح بالای تمایز یافتگی احساس خوب بودن، سازگاری و رضایت از روابط زناشویی و

1. self-differentiation

2. Bowen, M.

3. Skowron, E. A., & Friedlander, M. L.

ازدواج دارند در حالیکه افراد با سطوح پایین تمایزیافتگی، سطوح بالایی از رنج عاطفی و اضطراب، ناسازگاری و نارضایتی از ازدواج و زندگی زناشویی خواهند داشت (تیم، ۱۹۹۰؛ پیلیگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). تیم (۱۹۹۹)، دریافت که بین تمایزیافتگی خود با ارتباط جنسی رابطه مستقیم و معناداری دارد. با توجه به اهمیت کارکرد متعادل خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن، شناخت عوامل مرتبط با رضایت جنسی و زناشویی که پایه استحکام بخش زندگی خانوادگی است، ضروری به نظر می‌رسد. می‌توان انتظار داشت که با افزایش سطح رضایتمندی زناشویی بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی خانواده‌ها و در نهایت جامعه، کاهش یابد. با توجه به استدال‌های ذکر شده و پیشینه پژوهشی و اهمیتی که تمایزیافتگی خود و نوع سبک دلبستگی در ایجاد آرامش و بروز رضایت یا نارضایتی زناشویی دارند، بنابراین هدف از انجام پژوهش فعلی بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و تمایزیافتگی خود با ارتباط جنسی و همچنین پیش بینی ارتباط جنسی با توجه به سبک‌های دلبستگی و تمایزیافتگی خود است.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در این پژوهش کلیه‌ی دانشجویان زن متأهل دانشگاه‌های اهواز بود، نمونه آماری پژوهش شامل ۲۲۰ نفر از دانشجویان زن متأهل دانشگاه‌های اهواز بودند. در این تحقیق با توجه به اینکه امکان دسترسی به آمار دقیق دانشجویان دانشگاه‌های اهواز وجود نداشت از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و تعداد نمونه بر اساس حداقل نمونه لازم برای پژوهش‌های همبستگی تعیین گردید. شرط ورود به پژوهش سابقه حداقل یک سال زندگی با همسر، زندگی با همسر و دانشجوی بودن، بود. پرسشنامه در ساعت‌های استراحت بین شرکنندگان توضیح شد و بعد از تکمیل به محقق برگردانده شد. سطح

1. Pelage, M.



تحصیلات شرکت کنندگان لیسانس، میانگین سنی آن‌ها ۳۰/۴۳ و میانگین سن ازدواج شرکت کنندگان ۲۲ می‌باشد. داده‌های جمع‌آوری شده با روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری تحلیل شدند.

## ابزارهای پژوهش

**مقیاس سبک ارتباط جنسی<sup>۱</sup>:** برای سنجش ارتباط جنسی از مقیاس ارتباط جنسی ساخته شده توسط ویلس، ویلس و باس<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) استفاده شد، این مقیاس دارای ۲۲ گویه، و به صورت خودگزارشی است. پاسخگویی به این مقیاس در یک طیف ۷ گزینه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) درجه بندی شده است. این مقیاس برای چگونگی ارتباط زوج‌ها ساخته شده و در این پرسش‌نامه هم از ارتباط کلامی و هم غیرکلامی استفاده شده است ضریب آلفا برای ارتباط کلامی جنسی ۰/۹۵، برای ارتباط جنسی غیر کلامی ۰/۹۱ به دست آمد (تیم، ۱۹۹۹). نمرات برای هر دو عامل مقیاس سبک ارتباط جنسی از ۹ تا ۴۵ درجه بندی می‌شود. آلفای کرونباخ توسط نونالی<sup>۳</sup> (۱۹۶۷) ۰/۹۸ گزارش شده است (به نقل از تیم، ۱۹۹۹). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ، ۰/۹۴ به دست آمد. همبستگی این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه رضایت جنسی پینی<sup>۴</sup> (پینی، جرارد و دینی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۷) ۰/۷۰ به دست آمد.

**پرسشنامه شیوه نظام‌های رفتاری<sup>۶</sup> (BSQ):** این پرسشنامه توسط فارمن و وهنر<sup>۷</sup> (۱۹۹۹) ساخته شد و دارای ۲۲ ماده می‌باشد. مقیاس BSQ میزان موافقت آزمودنی‌ها با مجموعه‌هایی از حالت‌ها در مورد اینکه افراد چه سبک دلبستگی را ممکن است در

1. Sexual Communicate Style Scale
2. Wheelless, L. R., Wheelless, V. E., & Baus, R.
3. noualy.h.
4. Pinney Sexual Satisfaction Inventory
5. Pinney, E. M., Gerrard, M., & Denney, N. W.
6. Behavioral Systems Questionnaire
7. Furman, W., & Wehner, E. A.

روابط عاشقانه خود به کار بگیرند نشان می‌دهد. هر ماده نشان دهنده‌ی یکی از سبک‌های دلبستگی عاشقانه ایمن، عدم دلبستگی یا دلبستگی پریشان است. فارمن، سیمون، شافرو و بواجی<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، آلفای کرنباخ سه سبک دلبستگی را ۰/۸۵ گزارش داده‌اند. در چندین مطالعه رابطه نمرات سبک‌های دلبستگی عاشقانه با چندین مقیاس سنجیده شده‌اند، از جمله با مقیاس هیزن و شیور، مقیاس دلبستگی بزرگسالان کالینزو رید<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) رابطه معنی‌داری داشتند (فارمن و وهنر، ۲۰۰۱). امان الهی، اصلانی، تشکر، غوابش و سعادت نکویی (۱۳۹۱) آلفای کرنباخ را برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۶۴، دلبستگی پریشان ۰/۵۴ و دلبستگی گسسته ۰/۷۸ گزارش کردند. در پژوهش حاضر آلفای کرنباخ برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۶۲، سبک دلبستگی پریشان ۰/۷۶ و سبک دلبستگی پریشان ۰/۷۸ به دست آمد.

**پرسشنامه تمایز یافتگی:** این پرسشنامه را نخستین بار در سال ۱۹۹۸ اسکورن و فریندلر با ۴۳ سوال طراحی و اجرا کردند (اسکورن و اسمیت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). این پرسشنامه با مقیاس لیکرت در یک طیف ۶ گزینه‌ای درجه بندی شده است و دارای ۴۳ سوال می‌باشد. از ۴ خرده مقیاس: واکنش عاطفی، گسلس عاطفی، موقعیت من و هم آمیختگی با دیگران تشکیل شده است (اسکورن و فریندلر؛ ۱۹۹۸). اسکورن و فریندلر (۱۹۹۸)، ضرایب آلفای کرنباخ کل مقیاس را ۰/۸۸، خرده مقیاس واکنش هیجانی ۰/۸۴، خرده مقیاس موقعیت من ۰/۸۳، گسلس عاطفی ۰/۸۲ و امتزاج با دیگران را ۰/۷۴ گزارش به دست آوردند. تیم (۱۹۹۹) آلفای کرنباخ کل مقیاس را ۰/۸۰، خرده مقیاس واکنش هیجانی ۰/۶۷، خرده مقیاس موقعیت من ۰/۸۰، گسلس عاطفی ۰/۷۴ و امتزاج با دیگران را ۰/۵۴ گزارش کرده است. یونسی (۱۳۸۵) این پرسشنامه را در ایران هنجاریابی کرد و ضریب پایایی را ۰/۸۵ گزارش کرد. زارعی، فرحبخش و اسمعیلی (۱۳۹۰) پایایی این پرسشنامه را

1. Furman, W., Simon, V., Shaffer, L., & Bouchey, H. A.  
2. Collins, N. L., & Read, S. J  
3. Skowron, E. A., & Schmitt, T. A.

با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه کردند. روایی محتوایی آن از روش همسانی درونی ۰/۸۳ گزارش شده است (یونسی، ۱۳۸۵).

### یافته‌های پژوهش

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره ی آزمودنی‌ها در متغیرها

شاخص‌های آماری				متغیرها
حداکثر نمره	حداقل نمره	انحراف معیار	میانگین	
۵۴/۰۰	۴۹/۰۰	۲۳/۶۱	۱۲۲/۵	ارتباط جنسی
۳۵/۰۰	۸/۰۰	۵/۶۶	۲۷/۱۷	ایمن
۵۷/۰۰	۹/۰۰	۱۰/۰۷	۲۳/۷۱	گسسته
۵۹/۰۰	۸/۰۰	۱۰/۱۶	۲۳/۸۴	پریشان
۲۰۸/۰۰	۹۷/۲۹	۲۱/۸۸	۱۵۲/۹۴	تمایز یافتگی
۶۲/۰۰	۱۶/۰۰	۹/۰۸	۴۲/۵۴	واکنش هیجانی
۹۸/۰۰	۲۲/۲۹	۷/۴۶	۴۴/۱۵	موقعیت من
۶۲/۰۰	۱۶/۰۰	۸/۷۲	۳۶/۰۶	گسلش عاطفی
۵۰/۳۷	۲۲/۱۷	۵/۷۳	۳۶/۸۶	هم آمیختگی

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین سبک دل‌بستگی (ایمن، گسسته، پریشان) و خود تمایز یافتگی (واکنش هیجانی، موقعیت من، گسلس عاطفی، امتزاج با دیگران) با ارتباط جنسی

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
								۱	۱-ارتباط جنسی
							۱	۰/۳۸	۲-دل‌بستگی ایمن
						۱	-۰/۳۸	-۰/۴۷	۳-دل‌بستگی گسسته
					۱	۰/۷۱	۰/۱۷۰	-۰/۵۶	۴-دل‌بستگی پریشان
				۱	-۰/۴۸	-۰/۳۴	-۰/۰۳	۰/۳۰	۵-تمایز یافتگی
			۱	-۰/۸۶	۰/۳۸	۰/۲۵	۰/۰۷	-۰/۲۳	۶-واکنش هیجانی
		۱	-۰/۳۵	۰/۵۵	-۰/۲۵	-۰/۲۰	/۰۷	۰/۲۷	۷-موقعیت من
	۱	-۰/۱۰	۰/۵۵	-۰/۷۴	۰/۵۲	۰/۳۹	-۰/۱۱	-۰/۴۸	۸-گسلس عاطفی
۱	۰/۳۶	-/۰۳	۰/۵۲	-۰/۶۲	۰/۲۲	۰/۱۳	-۰/۱۵	-۰/۲۳	۹-امتزاج با دیگران

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود ضرایب همبستگی بین سبک دل‌بستگی ایمن، گسسته و پریشان با ارتباط جنسی با استفاده از آزمون یک دامنه‌ی پیرسون برای آزمودنی‌ها به ترتیب برابر با:  $r=0/38$ ،  $r=-0/47$ ،  $r=-0/56$  و ضرایب همبستگی بین تمایز یافتگی، واکنش هیجانی، موقعیت من، گسلس عاطفی و امتزاج با دیگران با ارتباط جنسی به ترتیب برابر با:  $r=0/30$ ،  $r=-0/23$ ،  $r=0/27$ ،  $r=-0/48$ ،  $r=-0/23$  به دست آمد. همه ضرایب همبستگی در سطح  $P<0/001$  معنی‌دار هستند.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش بین با ارتباط جنسی به روش مرحله ای برای آزمودنی ها

متغیر وابسته	شاخص ها متغیر پیش بین	همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	سطح معناداری	ضرایب رگرسیون		
					۱	۲	۳
ارتباط جنسی	دل بستگی پریشان	۰/۵۶	۰/۲۷	۷۸/۷۹ P<۰/۰۰۱	-۰/۵۱۵ $\beta =$ -۸/۸۷۷ t= P<۰/۰۰۰		
	دل بستگی ایمن	۰/۵۹	۰/۳۶	۵۹/۰۳ P<۰/۰۰۱	-۰/۴۶۴ $\beta =$ -۸/۳۷۴ t= P<۰/۰۰۰	۰/۲۹۹ $\beta =$ t=۵/۳۹۴ P<۰/۰۰۰	
	گسلش عاطفی	۰/۶۲	۰/۳۹	۴۵/۲۱ P<۰/۰۰۱	-۰/۳۵۶ $\beta =$ -۵/۶۷۳ t= P<۰/۰۰۰	۰/۲۹۵ $\beta =$ t=۵/۴۴۱ P<۰/۰۰۰	-۰/۲۱۳ $\beta =$ -۳/۴۲۷ t= P<۰/۰۰۱

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می شود. نتایج رگرسیون به روش گام به گام نشان داد سبک های دل بستگی پریشان و ایمن و گسلش عاطفی بهترین پیش بین برای ارتباط جنسی هستند. R و R<sup>2</sup> آنها به ترتیب ۰/۶۲ و ۰/۳۹ است یعنی ۳۹٪ از واریانس ارتباط جنسی به وسیله ی سبک های دل بستگی پریشان و ایمن و گسلش عاطفی تبیین می شود.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک های دل بستگی و ارتباط جنسی رابطه ی معنادار

وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های دیگر (آنتناچی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴؛ کاپرسویت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴؛ آندرس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸؛ باتزر و کمپبل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸) همخوانی دارد. باتزر و کمپبل (۲۰۰۸) در پژوهشی دریافتند که افراد با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و نایمن (اضطرابی) ارتباط جنسی و زناشویی کمتر دارند، افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند رضایت جنسی و ارتباط زناشویی بالایی گزارش کردند نتایج این پژوهش هم چنین نشان داد که افراد با سبک دلبستگی ایمن با گفتگو پیرامون رابطه جنسی راحت هستند و از فعالیت‌های متنوع (فراوانی) رابطه جنسی لذت می‌برند. این افراد با همسرانشان به طور صمیمی رابطه دارند و رابطه‌ها بیشتر به صورت متقابل شروع می‌شود. همچنین کمتر مایلند همسران بی بندوبار داشته باشند. بنابراین رضایت جنسی و ارتباط زناشویی بالا گزارش می‌دهند. تیم (۱۹۹۹) گزارش داد روابط جنسی افراد با سبک دلبستگی نایمن (اضطرابی) حول فعال سازی سیستم دلبستگی‌شان شکل می‌گیرد که باعث می‌شود آن‌ها برای تایید به دیگران وابسته باشند و در مورد طرد شدن و انکار نگران باشند. این افراد داشتن رابطه جنسی برای کاهش ناامنی و ایجاد صمیمیت بیشتر گزارش می‌دهند درحالی‌که همین افراد ناکارآمدی برای روابط جنسی ارائه می‌دهند و می‌ترسند درخواست شان برای گفتگوهای جنسی از طرف همسر پذیرفته نشود، همچنین عقاید منفی نسبت به کاندوم در این افراد با سطح پایین پاسخگویی ارگاسمی و سطح بالای ترس از شهوت در روابط زناشویی با همسرشان را شامل می‌شود. در زنان با سبک دلبستگی نایمن (مضطرب) با احتمال بیشتر داشتن رابطه جنسی، میزان بالاتر خیانت، سن کمتر در اولین ارتباط جنسی و داشتن رابطه جنسی برای تقویت عزت نفس را شامل می‌شود. در نتیجه رضایت جنسی و زناشویی و رضایت از رابطه کمتر گزارش می‌دهند. آندرس (۲۰۰۸) بیان کرد افراد با سبک دلبستگی اجتنابی تلاش می‌کنند

1. Antonacci, D.

2. Couperthwaite, Z. M.

3. Andres, A. N.

4. Butzer, B., & Campbell, L.

سیستم دلبستگی را در دو حوزه اصلی در مورد رابطه جنسی غیر فعال سازند: اولاً برای دور کردن خود از فعالیت‌های جنسی و درگیر شدن در رفتارهای جنسی غیر جماعی کمتر، داشتن نگرانی درباره بیماری‌های مقاربتی و داشتن عقاید منفی قوی درباره مزایای کاندوم تلاش می‌کنند.، ثانیاً در روابط جنسی در جاهایی که صمیمیت غیر ممکن است شرکت کنند و خواهان تعداد زیادی شریک جنسی بی بندوبار باشند. این افراد رضایت جنسی، رضایت زناشویی و رضایت از رابطه کمتر گزارش می‌دهند

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که بین خودتمایز یافتگی و ارتباط جنسی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های دیگر (کلتا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴؛ هیوز و هارپر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲؛ پیلیگ، ۲۰۰۸؛ تیم، ۱۹۹۹) همخوانی دارد. اسکورون و دندی<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) گزارش داد مولفه‌های تمایز یافتگی با ارتباط زناشویی و رضایت جنسی رابطه دارند، این افراد توانایی رشد "من مستقل" را در روابط صمیمانه دارند و می‌توانند در روابط عمیق و زناشویی آرامش و راحتی خود را حفظ کنند و از امتزاج و گسلس عاطفی برای تعدیل تنش‌های درونی خود اجتناب کنند. این افراد در بعد درون شخصیتی به راحتی می‌توانند احساسات شان را از عقلانیت شان جدا کنند و در موقعیت‌های مشکل‌زای زندگی قادر به استفاده از نظام عقلانی خود در چگونگی واکنش و حل موقعیت‌ها می‌باشند. در بعد بین فردی نیز این افراد می‌توانند روابط صمیمانه و عمیقی با دیگران برقرار کنند و در عین حال استقلال خود را حفظ کنند. زندگی این افراد توسط خودشان اداره می‌شود نه توسط هیجانات و یا اشخاص دیگر. افراد با سطح تمایز بالا در ازدواج، دارای پختگی هیجانی هستند، انعطاف‌پذیرند، قادر به برقراری و ادامه روابط صمیمانه با یکدیگرند و می‌توانند از آن لذت ببرند (اسکورون و دندی، ۲۰۰۴). مجموعه این عوامل باعث می‌شود آن‌ها در زندگی مشترک خود احساس رضایت و خشنودی کنند. تیم (۱۹۹۹) گزارش داد با بالا

1. Kaleta, K.

2. Hughes, A. A., & Harper. J.

3. Skowron, E.A., & Dendy, A.K

رفتن سطح تمایزیافتگی افراد، میزان رضایت جنسی و زناشویی آن‌ها به راحتی افزایش می‌یابد. افراد با تمایزیافتگی بالا به هیجان‌ات خود آگاهی دارند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند. پیلینگ (۲۰۰۸) در پژوهشی دریافت تمایزیافتگی با ارتباط جنسی رابطه مثبت دارد. این یافته‌ی پژوهشی نشان داد که ارتباط بین تمایزیافتگی با رضایت جنسی برای هر دو جنس متفاوت است و به صورت قابل توجهی، رضایت جنسی بالا در مردان با واکنش هیجانی کم، گسلس عاطفی کم و موقعیت من بالا رابطه دارد در حالی که در زنان تنها با گسلس عاطفی کم رابطه دارد، و دلایلی متفاوتی برای این امر وجود دارد یکی از دلایل این است که آنها از لحاظ بیولوژیکی و تفاوت‌های جنسی اجتماعی با همدیگر فرق دارند که به تفاوت‌هایی در برداشت زنان و مردان از ازدواج و انتظارات آنها از روابط زناشویی منجر می‌شود. گاتمن (۱۹۹۴) دریافت زمانی که مرد از مسئله مشخصی در رابطه‌ی زناشویی خودش ناراحت است، او مشکل را به سرعت حل می‌کند و به راحتی با آن کنار می‌آید، زنان برعکس، به شدت تحت تاثیر مشکل قرار می‌گیرند و مایلند احساسات خویش را درونی کنند و به راحتی نمی‌توانند با آن مشکل کنار بیایند. هم چنین گسلس عاطفی مانعی برای زنان می‌شود که بتوانند با همسرانشان صحبت کنند و گفتگو‌هایی باز داشته باشند این نشان می‌دهد که چرا رضایت جنسی زنان به طور معناداری با گسلس عاطفی رابطه دارد. این احتمال وجود دارد که زنان به خاطر تحمل بیش از حد بار مسئولیت و ناراحتی (غصه) در زندگی زناشویی ناکام شوند، و بیشتر از مردان نسبت به نارضایتی و ضعف رابطه حساسیت نشان دهند، و این الگو به آنها اجازه نمی‌دهد با تنش‌ها و استرس‌ها در ازدواج مقابله کنند. به طور کلی افراد با سطوح بالا تمایزیافتگی احساس خوب بودن، سازگاری و رضایت از روابط زناشویی و ازدواج دارند در حالیکه افراد با سطوح پایین تمایزیافتگی، سطوح بالایی از رنج عاطفی و اضطراب، ناسازگاری و نارضایتی از ازدواج و زندگی زناشویی خواهند داشت (پیلینگ،



۲۰۰۸). افراد کمتر تمایزیافته در دام هیجانات خود گرفتار هستند و عقل و هیجانانشان درهم آمیخته است، زندگی‌شان تحت اختیار دیگران قرار می‌گیرد و به شدت به دیگران وابسته هستند. این افراد صمیمیت و نزدیک شدن به دیگری را عمیقاً تهدید می‌دانند و به همین دلیل از صمیمیت اجتناب می‌کنند، احترام به خود و صمیمیت در آن‌ها پایین است. در مواقع بحرانی و برخورد با مشکلات زندگی به طور ناگهانی بر اساس احساساتشان تصمیم‌گیری می‌کنند. طبیعتاً مهارت‌های لازم را دارا نیستند و در نتیجه می‌توان پیش‌بینی کرد که با مشکلات عدیده زناشویی رو به رو می‌شود. به طور کلی هر اندازه میزان تمایزیافتگی افراد پایین باشد آمادگی بیشتری برای اضطراب دارند، به رویدادها و رفتار همسرشان واکنش عاطفی یا هیجانی شدیدتری نشان می‌دهند، ظرفیت‌شان برای پیوندهای صمیمانه با شریک خود محدود است و در صورت نیاز برای نزدیک شدن و ارتباط زناشویی دچار امتزاج یا آمیختگی عاطفی می‌شوند و تعارضات و فشارهای زناشویی زیادی را متحمل می‌شوند که همه این‌ها در نارضایتی از زندگی تاثیرگذار است (تیم، ۱۹۹۹).

با توجه به نقش مهمی که سبک‌های دلبستگی و خودتمایزیافتگی در ارتباط جنسی دارند بررسی این متغیرهای روانشناختی در مشاوره‌های پیش از ازدواج و مشاوره با زوج‌ها و کار بر روی آنها می‌تواند به بهبود ارتباط جنسی زوج‌ها کمک کنند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده سبک‌های دلبستگی زوج‌ها و چگونگی ارتباط آنها با ارتباط جنسی‌شان مورد بررسی قرار گیرد از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس بود زیرا دسترسی به آمار و لیست دانشجویان زن امکان‌پذیر نبود.

## منابع

- امان الهی، ع.، اصلانی، خ.، تشکرف هاجر، غوابش، سعادت و نکوئی، سمیه. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی. مجله مطالعات زنان. ۱۰(۳): ۸۶-۶۷.
- رحمانی، ا.، صادقی، ن.، الله قلی، ل.، مرقاتی خویی، ع. (۱۳۹۰). ارتباط رضایت جنسی و رضایت از زندگی

- زناشویی. نشریه مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۲۴(۷۰)، ۸۲-۹۰.
- زارعی، س.، فرحبخش، ک.، اسمعیلی، م. (۱۳۹۰). تعیین سهم خودتمایزسازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش‌بینی سازگاری زناشویی. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۲(۳)، ۵۲-۶۳.
  - عیسی‌نژاد، ا.، آگشته، م.، علی‌پور، م. (۱۳۸۹). بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی پرسشنامه کیفیت دلبستگی بزرگسالان در همسرها: مفهوم‌سازی مدل چندبعدی دلبستگی زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۵(۶)، ۱-۱۶.
  - یونسی، ف. (۱۳۸۵). هنجاریابی آزمون خودتمایزسازی در بین افراد ۲۵-۵۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- Ainsworth, M. D. S. (1989). Attachments across the life-span. *American Psychologist*, 44, 709-716.
  - Andres, A.N. (2008). Sexual communication anxiety, attachment, relationship satisfaction, and sexual satisfaction in auburnuniversity undergraduates. Master of Science, August 9, 2008. (B.S., University of Tennessee at Chattanooga, 2006).
  - Antonacci, D. (2014). *Attaching Meaning to Sex: Attaching Styles and Possible Mediators of Safe*. New York: Mississippi
  - Birnbaum, G. E., Gillath, O., & Mikulincer, M. (2003). Adult attachment style and the subjective experience of heterosexual intercourse. Manuscript in preparation.
  - Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Jason Aronson.
  - Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss*. New York: Basic books.
  - Brennan, K. A., & Shaver, P. R. (1995). Dimensions of adult attachment, affect regulation, and romantic relationship functioning. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 21, 267-283.
  - Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (pp. 46-76). New York: Guilford.
  - Broman, C. L (2005). Marital Quality in Black and White Marriages. *Journal of Family Issues*. 26 (4),431-441
  - Butzer, B. & Campbell, L. (2008). Adult attachment sexual satisfaction a relationship satisfaction: a study of married couples. *Personal Relationship*. 15,141- 154.
  - Collins, N. L., & Read, S. J.(1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.
  - Couperthwaite, Z. M. (2014). Relationship satisfaction among individuals of diverse sexual orientations and gender identities: the role of love and attachment styles. Department of Applied Psychology and Human Development University of Toronto.

- Davis, D. Shaver, P. R. Vernon, M. (2004). Attachment style and subjective emotions for sex. *Personality and social psychology Bulletin*, 30 (8), 1076 – 1088.
- Davis, D., Follette, W. C., Vernon, M. L., & Shaver, P. R. (2001). *Adult attachment style and the extent and manner of expression of sexual needs*. Maui, HI: Western Psychological Association.
- Furman, W., & Wehner, E. A. (1999). *The Behavioral Systems Questionnaire-Revised*. Unpublished measure, University of Denver.
- Furman, W., & Wehner, E. A. (2001). *The Behavioral Systems Questionnaire-Manual*. Unpublished measure. University of Denver.
- Furman, W., Simon, V., Shaffer, L., & Bouchey, H. A. (2002). Adolescents. working models and styles for relationships with parents, friends, and romantic partners. *ChildDevelopment*, 73, 241-255.
- Gottman, J. (1994). *Why marriage succeed or fail: What you can learn from the break. through research to make your marriage last*. New York: Simon & Schuster.
- Hazan, C. & Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52 (3), 511-524.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1990). Love and work: An attachment-Theoretical perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*. 59, 270-280.
- Hazen, C., Zeifman, D., & Middleton, K. (1994). Attachment and sexuality. Paper presented at the 7th International Conference on Personal Relationships, Groningen, The Netherland.
- Hollist, C. S. & Miller, R. B. (2005). Perceptions of Attachment style and Marital Quality in midlife Marriage. *Family Relations*. 54, 46 – 57.
- Hughes, A. A., & Harper, J. (2012). *Sexual Satisfaction and Differentiation*. Family, Home and Social Sciences. College at Brigham Young University. 3- 24.
- Impett, E. A., & Peplau, L. A. (2002). Why some women consent to unwanted sex with a dating partner: Insights from attachment theory. *Psychology of Women Quarterly*, 26, 359-369.
- Kaleta, K. (2014). Marital satisfaction, differentiation of self and stress perceived by women. *Polskie Forum Psychologiczne*. 19, 305-319.
- Kirkpatrick, L. A., & Davis, K. E. (1994). Attachment style, gender, and relationship stability: A longitudinal analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*. 66, 502-512.
- Litzinger, S., & Gordon, K. C. (2005). Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*. 31, 409-424.
- Long, A.K. (2005). *The relationship among marital quality, sexual frequency, sexual disagreement, depression, and married women sexual satisfaction*. Master of Science, (August. 8, 2005, B.S, University of Georgia, 2002).

- Matthews, S.U. (2010). Adult attachment styles: relationships with marital and sexual satisfaction. Proquest LLC 789 East Eisenhower Parkway. MI , 48106 - 1346.
- Ozmen, O. & Atik, G. (2010). Attachment styles and marital Adjustment of Turkish married individuals. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 5, 367-371.
- Pelage, M. (2008). The relationship between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learn from married couple over the course of life? *The American Journal of Family Therapy*. 36, 388-401.
- Pinney, E. M., Gerrard, M., & Denney, N. W. (1987). The Pinney Sexual Satisfaction Inventory. *The Journal of Sex Research*, 23 (20), 233-251.
- Schachner, D. A., & Shaver, P. R. (2002). Attachment style and human mate poaching. *New Review of Social Psychology*, 1, 122-129.
- Skowron, E. A. (1995). Using differentiation of self to predict psychological adjustment and marital satisfaction. Unpublished doctoral dissertation, State University of New York, Albany, NY.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M.L. (1998). The differentiation of self inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling psychology*. 45(3), 235-246.
- Skowron, E.A., & Dendy, A.K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy*, 26, 337-357.
- Skowron, E.A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29M, 209 – 222.
- Timm, T.M. (1999). The effects of differentiation of self, adult attachment and sexual communication on sexual and marital satisfaction: a path analysis. *Purdue University Graduate school Form*, 9, 7-94.
- Wheelless, L. R., Wheelless, V. E., & Baus, R. (1984). Sexual communication. Communication satisfaction, and solidarity in the developmental stages of relationships. *The Westren Journal of Speech communication*. 48, 217-230.